

Research Article

***Countering terrorism and its strategies in the Islamic Republic of Iran
with a look at its legal dimensions***

Seyed Shamsoddin Shahidi^۱, Ali Shirkhani^۲, Mohammad Hassan Elahimanesh^۳

Received: ۲۰۲۲/۰۶/۲۲ Accepted: ۲۰۲۲/۰۹/۱۶

Abstract

The stunning progress of information technology in the early years of the twenty-first century has created countless changes in various fields and opened another door to the new world; in a way that has fundamentally changed and transformed all economic, social, political, cultural and scientific activities of mankind. Law, as a branch of the humanities that is responsible for regulating human relations within the framework of collective life, has raised questions about legal measures in this area by paying attention to the virtual world and the easy and simple access of children to the Internet and the existence of inevitable dangers in this vast area, and has proposed tools to prevent children from entering the virtual world in an unsafe manner and to take the necessary legal measures to protect them. Adopting a distinctive approach in the substantive criminal law of computer crimes can minimize the harm to children and adolescents by implementing prevention. In the meantime, questions and doubts are raised regarding the limits of freedom of use of the Internet for children, the limits of free flow of information in front of child users, the protection of children's privacy in cyberspace, and finally the role of legal regulations to protect and support this vulnerable group who can easily be exposed to abuse in this boundless world. In this research, using library and internet resources and rational analysis of the materials, the legislative policy of the criminal law system in the field of ensuring the security of children in cyberspace was examined, while studying the comparative studies of the Iranian legal system and international documents, with the aim of evaluating how to confront and prevent crimes committed in this field and expressing the issues and problems and the strengths and weaknesses of the approved laws, as well as providing suggestions and solutions to solve current problems.

Keywords: *Criminal policy, right to security of children and adolescents, cyberspace, jurisprudential dimensions.*

^۱ - PhD student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

^۲ - Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
(Corresponding Author).

^۳ - Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.



مقاله پژوهشی

مقابله با تروریسم و راهبردهای آن در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به ابعاد حقوقی آن

سیدشمس الدین شهیدی^۴، علی شیرخانی^۵، محمدحسن الهی منش^۶

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با اقدامی ابتکاری، مخصوصاً در دهه اخیر، راهبردی را برای مقابله با تروریسم در پیش گرفته است که در ضمن مقابله با ریشه‌ها و مبادی فکری و اعتقادی تروریسم و تلاش برای خشکاندن ریشه‌ها و علل تروریسم به طور همزمان به صورت تاکتیکی و عملیاتی با مظاهر تروریسم هم مقابله نموده است و از گسترش اقدامات تروریستی جلوگیری نموده است و در این زمینه با سازمانهای بین المللی همچون اینترپل و پلیس بین الملل هم همکاری های گسترده ای داشته است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای که پدیده تروریسم با امنیت آن پیوند خورده و به شکل دوگانه ای از تروریسم آسیب دیده است؛ در عین حالی که از ابزارهای نظامی و تاکتیکی برای مقابله با مظاهر تروریسم بهره گرفته است درصد خشکاندن ریشه های تروریسم و مقابله با عوامل به وجود آورنده اقدامات تروریستی بوده و برای مقابله با تروریسم سیاست های ویژه ای را اتخاذ کرده است .

واژگان کلیدی: منطقه خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران، تروریسم ، سیاست خارجی.

^۴ - دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۵ - استاد، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). shirkhani@qom-iau.ac.ir

^۶ - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

بدون شک یکی از معضلات جهان کنونی پدیده تروریسم است که حیات انسانها را تهدید می کند، روابط دوستانه میان کشورها را در معرض خطر قرار می دهد، امنیت دولتها را مخدوش می کند و یکی از موانع جدی و اساسی برای دستیابی بشر به صلح و امنیت است و از طرفی، اگرچه تروریسم به طور گسترده به عنوان یک رویکرد عملی مورد استفاده گروههای مختلف قرار میگیرد اما نباید آن را یک پدیده مجرد و غیر وابسته به سایر علل و عوامل دانست؛ برای فهم بهتر این پدیده الزم است آن را در ساختار مجموعه ای که در آن واقع می شود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و در همین راستاست که در اقصی نقاط دنیا، تروریسم نه یک تاکتیک بلکه یک استراتژی است. موضوع مقابله با تروریسم از معدود موضوعاتی است که اکثر کشورها و ملتها بر روی آن اجماع نظر دارند. البته این اجماع نظر کلی و اجمالی است، دولت ها و ملتهای مختلف برداشتی خاص خود را از این پدیده دارند؛ به طوری که به رغم گذشت بیش از ۶۰ سال از طرح موضوع تروریسم در سطح بین المللی و خلق آثار فراوانی (کنوانسیونهای بین المللی و منطقه ای) در شناخت و مبارزه با آن، هنوز نظر قاطعی درباره مفهوم تروریسم، تعریف و مصداق دقیقی از آن در نزد افکار عمومی، اصول و مصادیق مبارزه با آن در سطح بین الملل و افکار عمومی وجود ندارد. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که پدیده تروریسم با امنیت ملی آن پیوند خورده و به شکل دوگانه ای از تروریسم آسیب دیده است. ایران از سویی جزء اصلی ترین قربانیان تروریسم در تاریخ استقلال خود به شمار می رود و از سویی دیگر در مواجهه با اتهام حمایت از تروریسم، بهای استقلال خود را میپردازد. در چنین شرایطی بدیهی است که دولت ایران بیش از هر دولتی از مبارزه و مقابله با تروریسم، به معنی عام کلمه، سود می برد و در راستای اهداف و سیاست های بشردوستانه خود در پرتو آموزه های اسلامی و انسانی، در رابطه با تروریسم و سازوکارهای مقابله با آن در صدد تعبیه سازوکارهای داخلی و همراهی با سازوکارهای بین المللی مقابله با تروریسم است. به طور کلی می توان گفت: جمهوری اسلامی ایران به دلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه با مخاطرات، چالش ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود رو به روست. خاورمیانه یکی از مناطقی استثنایی به شمار می رود که هنوز هیچ گونه نشانه جدی از استقرار این گونه نظام امنیتی در محیط پیرامون ایران به چشم نمی خورد. عدم شکل گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی ثباتی در عرصه خاورمیانه با عوامل متعدد در ارتباط است که از آن جمله موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و منابع عظیم نفت و گاز در آن و در نتیجه تقویت حضور قدرت های فرامنطقه ای در محیط پیرامونی ایران، افراط گرایی، تنش های قومی، فرقه ای و تروریسم، دولت های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بازیگران منطقه ای به یکدیگر حائز اهمیت است بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش ها و مشکلات متعدد و متداوم روبه رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه های این محیط امنیتی بازتولید شده است. به گونه ای که این کشور هنوز نتوانسته است در هیچ کدام از این حوزه ها شاهد شکل گیری چهارچوب امنیتی پایدار و با ثباتی مورد توافق باشد در گذشته چالش های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی های مرزی و بی ثباتی های موقت تا حملات و جنگ های طولانی مدت نظامی را در بر می گرفت، اکنون نیز این مسئله در قالب و مولفه های مختلفی تجلی یافته است. هانتینگتون ایران را از مهمترین قدرت های منطقه ای در جنوب غرب آسیا می داند. همچنین ایران یکی از مهمترین کشورهای جهان به لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی است.

واژه ترور از فعل «tres» در زبان لاتین کلاسیک به معنای ترساندن اخذ شده است (غمامی، ۱۳۹۵: ۸۵). یکی از تعاریف تروریسم از منظر دکترین حقوقی این است که «تروریسم، شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه ورزی جنایی یا سیاسی، توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود». (توماس جی، ۱۳۷۸: ۲۴۹). موسسه تحقیقاتی رند (RAND) در برخی تحقیقات خود تروریسم را به‌عنوان «خشونت یا تهدید خشونت‌آمیز برای ایجاد فضای ترس و هشدار که معمولاً در حمایت از موضوعات سیاسی و سیستماتیک انجام می‌شود» تعریف کرده است. در این تعریف، قید «معمولاً» دربرگیرنده چنین پیامی است که تروریسم می‌تواند به انگیزه غیرسیاسی هم صورت می‌گیرد. برخی حقوق‌دانان تروریسم را چنین تعریف نموده‌اند: قصد ایجاد رعب و وحشت و برای رسیدن به مقاصد خاص. سپس در توضیح قصد ایجاد رعب و وحشت و تفاوت آن با قصد ایجاد وحشت در سایر جرائم این‌گونه نوشته‌اند: این قصد با قصد ارتکاب جرائم مشخصی که در حقوق جزای داخلی تعریف شده، باهم عنصر روانی افعال تروریستی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، خشونت بعضی افعال مجرمانه را - که ذاتی افعال مذکور قلمداد می‌گردند و ممکن است به ایجاد رعب و هراس بینجامد، باید از قصد ایجاد آن تفکیک نمود. افزون بر آن رعب و هراس ناشی از اعمال تروریستی، افراد غیر قربانیان را نشانه می‌گیرد؛ زیرا تروریسم عموماً علیه کسانی سازمان می‌یابد که به آن‌ها دسترسی ندارند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

* مقابله با تروریسم و راهبردهای آن

- مفهوم مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسم به اقداماتی تدافعی گفته می‌شود که برای کاهش آسیب - پذیری های فردی و اجتماعی از اعمال تروریستی با استفاده از نیروهای نظامی محلی و مدنی انجام می‌شود، (Dod, ۲۰۰۹: ۳۹) و به عبارت بهتر، در عین حالی که به معلول (اقدامات تروریستی) پاسخ می‌دهد به علت‌ها و ریشه‌های تروریسم هم توجه دارد، از منظری دیگر، به اقدامات، تکنیکها، تاکتیکها و استراتژی‌هایی گفته می‌شود که دولت‌ها، نیروهای نظامی و پلیس به منظور جلوگیری و پاسخ دادن به اقدامات و یا تهدیدات تروریستی، انجام می‌دهند. (Nacos, ۲۰۰۸: ۱۶۹-۲۱۸)

اما در پرداختن به بحث مقابله با تروریسم باید به مفهوم ضد تروریسم یا همان آنتی تروریسم هم پرداخته شود و حدود این دو را مشخص نمود. از این رو ابتدا به مفهوم ضد تروریسم می‌پردازیم و سپس نتیجه‌گیری و تعریف نهایی را ارائه می‌نماییم. ضد تروریسم شامل گستره کاملی از اقدامات تهاجمی برای ممانعت، بازدارندگی و پاسخگویی به تروریسم است که این مرحله، آخرین مرحله در مبارزه با تروریسم است. ضد تروریسم اقدامی واکنشی است و به اقدامات گسترده آمادگی، طرح ریزی و پاسخگویی که در طرح‌های اقدام متقابل علیه تروریسم گنجانده شده است، جنبه قانونی می‌بخشد (سرمستانی، ۱۳۸۵: ۴)؛ به بیان دیگر ضد تروریسم پرداختن به معلول است و به علت‌های اصلی پیدایش اقدامات تروریستی نمی‌پردازد. «ضد تروریسم» گاهی در مقابل «پاد تروریسم» نیز می‌آید، چنان که به بیان «جیمز دردیان» بین سیاست‌های «ضد تروریستی» با سیاست‌های «پاد تروریستی» یک تفاوت بنیادین وجود دارد که ناظر بر اهداف غایی آنها می‌باشد. اگرچه هر دو سیاست به دنبال نفی تروریسم هستند، اما سیاست نخست از طریق کاربرد منابع قدرت برای نیل به هدف تلاش می‌کند و سیاست دوم از طریق ارائه یک «جایگزین برای آن

درصد رسیدن به هدف است. بر این اساس «پاد تروریسم» ضرورتاً به تولید پدیده‌هایی جایگزین برای «تروریسم» منتهی می‌شود که در «ضد تروریسم» معنا و مفهوم ندارد (در دریان، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۹۳).

* راهبردهای مقابله با تروریسم

در خصوص چگونگی مواجهه با تروریسم در گستره جهانی سه راهبرد مشخص قابل شناسایی است. این سه راهبرد هر کدام در یک مقطع زمانی از نفوذ و برد بیشتری برخوردار بوده‌اند و به تبع آن در هر دوره غالباً راهکارهایی خاص را برای مبارزه با تروریسم برگزیده‌اند. بنابراین در این بخش پژوهش سعی شده است با توضیح مختصری در مورد هر راهبرد، راه کارها و ویژگی‌های هر یک از دوره‌ها بررسی شود:

الف) راهبرد پیشگیرانه

راهبرد پیشگیرانه از قدیمی‌ترین راهبردهای موجود است که مبنا و اساس شکل‌گیری کنوانسیون‌های ۱۳گانه و قطعنامه‌های سازمان ملل تا اوایل دهه ۹۰ میلادی است. به عبارتی در این دوره تمام کشورها و سازمانها نگاه پیشگیرانه به تروریسم داشتند و به نحوی می‌خواستند اقدامات تروریستی به منصفه ظهور نرسد؛ از این رو اقداماتی (سیاسی، فرهنگی، حقوقی و...) را انجام داده‌اند که عموماً در این چارچوب است. این راهبرد بیشتر به دنبال ریشه‌یابی تروریسم بوده و همواره بر سر آن اختلاف وجود داشته است. این اختلاف بیشتر بر سر اقدامات تروریستی و اقدامات آزادی بخش نمود داشته است. اولین قطعنامه صادره در چارچوب این راهبرد، قطعنامه ۳۰۳۴ سازمان ملل متحد است که در آن به چگونگی روابط کشورها با یکدیگر، عدم مشروعیت استعمار، قوانین تبعیض نژادی و ملاحظات خارجی در کشورهای دیگر اشاره شده است. مفاد این قطعنامه نشان می‌دهد که حامیان آن در درجه اول بیشتر به مبارزه با ریشه‌های تروریسم توجه داشته و در درجه دوم تلاش کرده‌اند که میان تروریسم و سایر اقدامات از جمله اقدامات نهضت‌های آزادیبخش، تفاوت قائل شوند (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۰). راهبرد پیشگیرانه در مبارزه با تروریسم دارای دو گونه است: در گونه اول که بیشتر به مسائل فراحقوقی باز می‌گردد بیش از آنکه به پیش دستی در برابر تروریسم اندیشیده شود، به علل و عوامل پیدایش تروریسم و چگونگی برطرف کردن این عوامل توجه می‌شود. این راهبرد در بلندمدت از کلیه راهبردهای دیگر به مراتب پایدارتر و مؤثرتر خواهد بود. اصول راهنمای شورای اروپا در خصوص حقوق بشر و مبارزه با تروریسم این راهبرد را مدنظر داشته است و راهبرد پیشگیرانه را به شرح ذیل مورد تأکید قرار داده است:

با در نظر داشتن اینکه مبارزه با تروریسم مستلزم اقداماتی طولانی مدت با نگاه پیشگیرانه از علل تروریسم است، این مهم به ویژه از طریق ترویج همبستگی در میان جوامع ما و ترویج یک گفتگوی چندفرهنگی و میان‌مذهبی محقق مشهد (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

گونه دوم راهبردی در پاسخ به اقدامات تروریستی است که با وجود توسل به گونه اول ارتکاب می‌شوند. به دیگر سخن همواره این امکان وجود دارد که گروهها و سازمان‌های تروریستی وجود داشته باشند که با زیاده خواهی نظم موجود را به چالش بکشند. در چنین مواردی در گونه دوم راهبرد پیشگیرانه آن است که به جای اتخاذ موضع انفعالی و واکنشی در برابر فعالیت‌های تروریستی با تصویب اقدامات فعال، نسبت به کشف و خنثی‌سازی فعالیت‌های تروریستی همت گمارده شود. این راهبرد به ویژه پس از آشکار شدن توانایی تروریستها برای به کارگیری روش‌ها و تسلیحات

کشتار جمعی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. راهبرد پیشگیرانه در اکثر کنوانسیون های بین المللی ضد تروریسم مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، در اتحادیه اروپا شاهد تصویب پیش نویس کنوانسیون اروپایی پیشگیری از تروریسم هستیم که برخلاف کنوانسیون پالمو کاملا به موضوع تروریسم اختصاص دارد. این پیش نویس - که کمیته کارشناسان تروریسم شورای اروپا در ۷ مارس ۲۰۰۵ آن را به تصویب رسانده است - نظر به اشتغال اساسی آن دارای دقیق ترین و کامل ترین سازوکارها در پیشگیری از تروریسم است. با عنایت به این پیش نویس و دیگر اسناد بین المللی و منطقه ای موجود در مبارزه با تروریسم و از جمله کنوانسیون پالمو، برخی از سازوکارهای اجتماعی پیش بینی شده در پیشگیری از تروریسم عبارت اند از:

- لزوم آموزش هر چه بیشتر ماموران اجرای قانون و تربیت نیروهای متخصص در مبارزه با تروریسم؛
- لزوم آموزش و ارتقای آگاهی های عمومی مردم در مورد تهدیدات تروریستی به منظور جلب همکاری آنها در شناسایی و پیشگیری از اقدامات تروریستی؛
- اتخاذ سازوکارهای مناسب برای ارتقای همکاری و هماهنگی بیشتر بین مقامات مسئول مبارزه با تروریسم؛
- ارتقای استانداردهای ایمنی در حفاظت از اماکن و تاسیسات دارای قدرت خطرناک؛
- ارتقای استانداردهای ایمنی در حفاظت از جان و اموال قضات، وکلا و دیگر مأموران دخیل در مبارزه با تروریسم؛
- جرم انگاری جرایم تروریستی و اطلاع رسانی گسترده در مورد آن؛
- جرم انگاری عضویت در گروههای تروریستی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم؛
- جرم انگاری، سازماندهی، رهبری، هدایت، معاونت و مشارکت در ارتکاب جرایم تروریستی؛
- جرم انگاری آموزش روش ها و متدهای تروریستی از جمله آموزش ساخت و به کارگیری مواد منفجره؛
- لزوم شناسایی مسئولیتهای کیفری، حقوقی و اداری برای اشخاص حقوقی به منظور پیشگیری از سوء استفاده از اشخاص حقوقی؛
- لزوم پیش بینی صلاحیت های حقوقی و کیفری لازم برای تعقیب متهمان و مظنونان به ارتکاب جرایم تروریستی؛
- لزوم وضع و اعمال جدی مجازات مؤثر و متناسب و اطلاع رسانی گسترده؛
- اعلام و تصویب اینکه جرایم تروریستی برای اهداف پناهندگی جزء جرایم سیاسی در نظر گرفته نمی شوند؛
- لزوم برقراری سازوکارهای مناسب و در دسترس برای جبران خسارت قربانیان اقدامات تروریستی، چون رضایت مندی مردم نقش مهمی در همکاری آنان با مقامات در پیشگیری از تروریسم دارد؛

- ارتقای همکاری بین المللی از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات، معاضدت قضایی بین المللی و از جمله اجرای دقیق اصل یا محاکمه کن یا استرداد؛

- لزوم ملاحظه موازین و استانداردهای حقوقی از جمله حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پیشگیری و مبارزه با تروریسم (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۹).

چنان که پیداست، راهکارهایی را که در این راهبرد برای مبارزه با تروریسم اتخاذ می گردد، بیشتر تئوریک و در مقام عمل هم غالباً به سمت تصویب قوانین و کنوانسیون هایی برای مبارزه با تروریسم پیش می رود.

ب) راهبرد اعمال مجازات قانونی

این راهبرد در مقطع زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ و در کمیته سوم و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ظهور نمود. راهبرد مذکور بیش از آنکه نگران تروریسم و اقدامات تروریستی باشد، مأموریت و توجه خود را بر پامال شدن حقوق اساسی بشر از ناحیه اقدامات ضد تروریستی قرار داده است. طرفداران این راهبرد معتقد هستند مبارزه با تروریسم در درجه اول به آزادی شهروندان لطمه زده است. دولت ها به نام مبارزه با تروریسم، آزادی و خصوصاً آزادی بیان و اطلاعات را محدود نموده اند. از سوی دیگر دولتها بیش از پیش به بهانه مبارزه با تروریسم در زندگی خصوصی مردم مداخله می کنند و حریم خصوصی افراد را خدشه دار کرده اند، ضمن آنکه مبارزه با تروریسم باعث شده است که حقوق زندانیان و کسانی که متهم به تروریسم هستند لگدمال گردد. بنابراین تلاش این راهبرد معطوف به چنین نگرانی هایی است (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۲)

این شیوه در برخورد با تروریسم از اسباب و زمینه های آن چشم می پوشد و بر نفس عمل مجرمانه و مرتکبان آن متمرکز می شود. هرگونه بحث و مذاکره با تروریستها یا حامیان آنها منتفی شمرده می شود. نگرش حقوقی خود را به برخورد صرفاً شکلی و رسمی با اعمال مجرمانه مقید و محدود می سازد.

هرچند ممکن است این روش به تنهایی تحلیلی حقوقی قانع کننده ای به شمار آید، اما نتایجی که از آن به دست می آید چیزی نیست که انتظار می رود، چرا که شرایط لازم برای موفقیت آن مهیا نیست (فلوری ۱۳۹۴: ۲۸۸-۲۸۷). برای اینکه اقدامات حقوقی برای مبارزه با تروریسم تا حدی موثر واقع شوند باید از عمل تروریستی تعریفی پذیرفته شده ارائه شود. بین المللی شدن تروریسم و مبارزه با آن باید به مقابله جهانی با آن از رهگذر معاضدت حقوقی بیشتر میان کشورها منتهی شود، همان طور که طبق نظر قاضی گیلوم 'اعمال تروریستی در همه کشورها باید جرم شناخته شود؛ بر این اساس، باید آیین های دادرسی کیفری را بازبینی و اصلاح کرد، صلاحیت سرزمینی دادگاهها حتی زمانی که حملات تروریستی به دست اتباع بیگانه و خارج از موطن آنها انجام شده باشد، با سهولت بیشتری به رسمیت شناخته شود و نهایتاً باید تروریست ها بازداشت، محاکمه و مجازات و در غیر این صورت مسترد گردند (فلوری، ۱۳۹۴: ۲۸۸).

راهبرد اعمال مجازات قانونی، اعمال تروریستی را صرفاً اعمال کیفری در نظر می گیرد که باید به وسیله سازوکارهای داخلی، قضایی، اجرایی و پلیسی پیگیری و محاکمه و کیفر داده شوند. تحقیقات، تعقیب و بازداشت از سازوکارهای اصلی این نظام به شمار می آیند. این ساز و کارها و به ویژه تکلیف به بازداشت متهمان با مجرمان شاخصه های اصلی است که این راهبرد را از دیگر راهبردها جدا می کند. راهبرد اعمال مجازات قانونی در مقایسه با دیگر راهبردها بسیار

دقیق و محدود کننده بوده و به همین دلیل برخی از حقوق دانان به صراحت صحبت از عدم کفایت ساز و کارهای راهبرد اعمال مجازات قانونی در مبارزه با عملیات تروریستی کرده اند و به راهبردهای دیگری مثل راهبرد نظامی متمایل میشوند (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۷)

برای مثال دانیل ریستر در این خصوص چنین اظهار می دارد: «تحقیقات، بازداشت و تعقیب از وسایل اصلی نظام اجرای قانون هستند. آنها برای برخورد با مجرمان (عادی) کافی هستند ولی برای مواجهه با تهدیدات تروریسم بین المللی ناکافی به نظر می رسند. چرا که در برخورد با این پدیده مسأله عمده پیشگیری از حمله، قبل از وقوع آن است نه اینکه هدف اصلی مجازات عاملان آن پس از واقع شدن باشد» (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۷). علاوه بر این، این نظر نیز وجود دارد که چون مرکز پلیس مؤثر بین المللی وجود ندارد و پلیس محلی نیز در بسیاری از کشورها غرق در فساد و ناکارآمدی است، راهبرد اعمال مجازات قانونی سازوکار مؤثری در مبارزه با تروریسم نیست. به علاوه نظام استرداد مجرمان نیز در عمل رضایت بخش نبوده و محکمه بین المللی کارآمدی که به جنایت تروریستها رسیدگی کند وجود ندارد. از این رو فقط رویکرد توأم با توسل به زور می تواند اقدام مؤثر علیه تروریسم بین المللی را تضمین نماید (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۷). به عنوان نکته پایانی، اشاره به این نکته نیز سودمند است که کنوانسیون های بین المللی ضد تروریسم اساساً راهبرد اعمال مجازات قانونی را پیش گرفته اند، به نحوی که در تعدادی از این کنوانسیونها صراحتاً هرگونه توسل به زور در چارچوب درگیری های مسلحانه استثنا شده است. برای مثال در کنوانسیون بین المللی سرکوب اعمال تروریسم هسته ای که در اجلاس سران مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده، بند ۴ کنوانسیون به شرح ذیل راهبرد نظامی را استثنا می کند فعالیت های نیروهای مسلحانه در خلال یک درگیری مسلحانه، آنگونه که این عبارات در حقوق بشردوستانه بین المللی فهمیده میشوند، تحت حکومت حقوق مذکور بوده و این کنوانسیون بر آنها اعمال نمی شود، همچنین فعالیت های نیروهای نظامی یک دولت که از رهگذر انجام وظایف رسمی آنها، انجام می شود تا آنجا که موضوع دیگر قواعد حقوق بین الملل باشند، این کنوانسیون بر آنها اعمال نخواهد شد» (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۸)

در کنوانسیون هایی که بر اجرای قوانین کیفری یا راهبرد اعمال مجازات قانونی تأکید شده است، نکاتی از این قبیل آمده است: اعمال مجازات شدید نسبت به متصرفان غیر قانونی هواپیما، اعمال صلاحیت کیفری بر پایه حقوق داخلی و رعایت اصل «محاکمه با استرداد».

ج. راهبرد سرکوب

این راهبرد از سال ۲۰۰۱ میلادی پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ظهور نموده و هنوز نیز این راهبرد مسلط می باشد. این راهبرد که اقدام برای نابودی تروریسم نام گرفته است، موجب حمایت شدید امریکا است. این راهبرد اصل را بر نابودی تروریسم و اقدامات تروریستی قرار داده است و با معرفی تروریسم به عنوان یک جرم جنایی، مبارزه با تروریسم تا سر حد کشتن و یا اسیر کردن عوامل آن را جایز دانسته است. در این چارچوب رعایت حقوق بشر در مبارزه با تروریسم در حاشیه قرار گرفته است و می توان تا حدود زیادی از آن چشم پوشی کرد. در این راهبرد راهکار مقابله با تروریسم بیشتر پلیسی، نظامی و اطلاعاتی معرفی شده است. تروریسم و مبارزه با آن در این راهبرد در سازمان ملل و بیشتر در کمیته ششم و شورای امنیت دنبال می گردد و تمامی قطعنامه های شورای امنیت در خصوص تروریسم در

این چارچوب قرار می‌گیرد (افتخاری و شبستانی، ۱۴). شورای امنیت سازمان ملل متحد از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد در قالب عباراتی کلی یا خاص، تروریسم بین‌المللی را با توجه به شدت و آثار بین‌المللی آن تهدیدی بر صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده بود، ولی سده بیست و یکم، آغازی جدید در فرایند مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی بود. شورای امنیت در واکنش به حوادث یازده سپتامبر و پیش از آنکه هرگونه اقدامی را برای کشف ماهیت و کم و کیف این حوادث انجام دهد، بر اساس قطعنامه ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) تروریسم بین‌المللی را فارغ از شدت و آثار آن «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» شناخت. متعاقباً در ۲۸ سپتامبر همان سال طی قطعنامه ۱۳۷۳ با انحراف از قطعنامه‌های قبلی خود، از یکسو به وضع قواعدی عام، کلی و بدون محدودیت زمانی و مکانی در مقابله با تروریسم مبادرت ورزید و دولت‌ها را مکلف نمود از هیچ اقدامی جهت جلوگیری و مقابله با اقدامات تروریستی دریغ ننمایند، از سوی دیگر کمیته ضد تروریسم متشکل از ۱۵ عضو شورای امنیت را برای نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ به وسیله تمام دولت‌ها و نه صرفاً اعضای ملل متحد بنیاد نهاد؛ قطعنامه‌هایی که موجی از نگرش و بازنگری در خصوص هنجارهای اساسی حقوق بین‌الملل در دوران معاصر را به دنبال داشته است و هنوز هم همین جریان دوگانه تغییر و مقاومت، به قوت خود باقی است: تغییر ابعادی از اصول و سنگ بناهای نظام حقوقی از یک سو و مقاومت در برابر این تغییرات و اصرار بر حقوق موجود از سوی دیگر (زمانی ۱۳۹۰: ۱۸۹). و این آشنایی با نگرش‌ها و برداشت‌های شورای امنیت از تروریسم را می‌توان از خلال قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و مباحث شورای امنیت در این خصوص، درک نمود. در این باره می‌توان تأکید کرد که شورای امنیت برخلاف مجمع عمومی سازمان ملل، بیش از آنکه در ابعاد هنجاری تروریسم و اقدامات تروریستی کار کرده باشد بیشتر در چهره اقدام علیه آنچه اقدامات تروریستی خوانده شده ظاهر گردیده است، مباحث شورای امنیت در این خصوص عموماً پیرامون یک معضل یا مسئله حادث گردیده است که آن را در چارچوب موضوع تروریسم گنجانده‌اند و نسبت به آن تصمیم‌گیری کرده‌اند؛ نتایج این نوع نگاه به تروریسم و راه‌های مبارزه با آن عموماً به شکل فشار، تهدید، تحریم، اقدام نظامی و مواردی از این دست خود را نشان داده است نتیجه چنین نگاهی در مبارزه با تروریسم عملاً منجر به تسلسل و دور باطل سرکوب تروریسم شده است و به عبارتی سیاست‌های بسیار شدید و خشن مبارزه با تروریسم در روش سرکوب باعث شکل‌گیری - حداقل در عضوگیری گروه‌های تروریستی و روی آوردن گروه‌های تروریستی به اقدامات خشونت‌آمیز و تروریسم شده است، در حالی که هدف این سیاست‌ها شکست دادن گروه‌های تروریستی بوده است. راهبرد نظامی در مبارزه با تروریسم، مبتنی بر توسل به زور مسلحانه‌ای است که در آن برخلاف نظام حقوق بشر، سیاست «هدف‌گیری و کشتن» تروریست‌ها به جای سیاست «دستگیری یا کشتن» تجویز می‌شود. به عبارتی این راهبرد به دولت سرکوب‌کننده تروریست‌ها اجازه می‌دهد که بدون رعایت قوانین محدودکننده حقوق بشر در توسل به زور مرگبار، با استفاده از سلاح‌های آنتین سبک یا سنگین، تروریست‌ها را هدف قرار دهند.

از این رو بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آن زمان، آمریکا برای مبارزه با تروریسم این راهبرد را در پیش می‌گیرد (تاکنون نیز به آن ادامه داده است) که به نظر نگارنده خود عامل گسترش تروریسم می‌باشد. برای اثبات این ادعا می‌توان به نظریه یکی از نویسندگان و کارشناسان این حوزه، تحت عنوان مدارات تروریسم» اشاره کرد که به طور مبسوط این ارتباط را بررسی نموده و نتیجه گرفته است که به دنبال اقدامات آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نوع دیگری از تروریسم ظهور کرده است که می‌توان آن را «تروریسم آمریکایی» یا مدار پنجم تروریسم نامید. نگارنده معتقد است: «تحلیل ماهوی گونه‌های مختلف تروریسم در جهان معاصر حکایت از آن دارد که مدار پنجمی در اقدامات تروریستی شکل گرفته است که مبانی نظری آن در اندیشه‌های نومحافظه‌کاران آمریکایی قرار دارد و از سوی استراتژیست‌های

قابل به «برخورد پیشگیرانه» توصیه و تأیید میشود. این گونه از تروریسم که با ادعای «نفی تروریسم» متولد شده، در واقع خود به دلیل عدم پایبندی به اصول قانونی، دیپلماتیک، هنجاری و اخلاقی تبدیل به جریانی تروریستی شده است که به نظر می رسد بیشترین تأثیرات را بر روی نظم جهانی در قرن بیست و یکم به جا خواهد گذارد. در واقع از جمله کانون های چالش برانگیز نظم نوین جهانی، منازعه ای است که بین گونه های سنتی تروریسم (مدارات اول و دوم) و گونه نوین آن (مدارات سوم و چهارم) از یکسو و گونه امریکایی آن (مدار پنجم) از سوی دیگر رخ داده است. نتیجه این منازعه تأثیر بسزایی در تحولات آتی نظام بین الملل خواهد گذاشت « (افتخاری ۱۳۹۵: ۱۱۵-۸۹).

* سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه های تروریستی منطقه خاورمیانه الف- حضور فعال نهادهای نظامی در سیاست خارجی

نهادهای نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش به نسبت مختلف در سیاست خارجی ایران نقش دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۸). یکی از ویژگی های اصلی سیاست خارجی ایران در مقابله با داعش نیز، حضور فعال نهادهای نظامی در عرصه سیاست خارجی است. سیاست خارجی ایران همانند دیگر کشورها از منابعی برخوردار است که یکی از اصلی ترین این منابع، تأثیرات نهادهای مختلف بر سیاست خارجی است. از آنجا که وضعیت میدانی در خاورمیانه در حال حاضر عرصه بحران های مختلف نظیر حضور پر قدرت آمریکا و متحدین منطقه ای این کشور، ائتلاف های منطقه ای ضد ایرانی، وجود پایگاه های متعدد دولت های فرامنطقه ای در اطراف مرزهای ایران، تهدیدات گروههای بنیادگرای تندرو و وجود دولتهای شکننده در این منطقه می باشد، به همین نسبت محیط منطقه ای ایران نیز در این محدوده با تهدیدات عدیده ای مواجه است، طبیعتاً سیاست خارجی و سیاست امنیت ایران در عرصه منطقه ای به طرف آنچه که واقع گرایان آن را سیاست اعلا با قدرت نظامی می نامند، سوق یافته است. در همین راستا است که شاهد حضور پر قدرت نهادهای نظامی در عرصه سیاست خارجی هستیم. تلاش برای تحقق اهداف فراملی سیاست خارجی و آرمان های انقلاب اسلامی از جمله مهم ترین وظایف نیروهای مسلح است. در مقدمه قانون اساسی این مسئولیت خطیر ارتش و سپاه پاسداران تحت عنوان ارتش مکتبی، این چنین تعریف و تعیین شده است: «نه تنها حفظ و حراست از مرزهای بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. بدیهی است که اهمیت این وظیفه ایجاب می کند که ارتش و سپاه در فرایند تصمیم گیری سیاست خارجی و دفاعی حضور فعال داشته باشند. این ضرورت نیز جایگاه و منزلت این دو نهاد نظامی را در ساختار تصمیم گیری سیاست خارجی ایران ارتقاء می بخشد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۳۹۰). نقش سپاه پاسداران در مقابله با داعش نیز بسیار بارز بوده است. در واقع سپاه پاسداران و نیروی قدس این نهاد، در مبارزه با داعش پیشرو بوده است. نیروی قدس با درک ابعاد خطرات راهبردی داعش در سطح منطقه، با اعراض از سیاست انتظار اولیه و با در نظر گرفتن اولویتهای کلان، به سرعت وارد جنگ با داعش شد. طی این سالها سطح بازیگری سپاه و نیروی قدس علیه داعش به حدی بود که به سرعت این نیرو را به محور عملیاتی طرح های ضدتروریستی در منطقه تبدیل کرد. این نقش آفرینی موثر همچنین مانع حضور بازیگران غربی پیرامونی ایران به بهانه مبارزه با داعش شد که از جنبه راهبردی برای منافع بلندمدت ایران در منطقه حائز اهمیت بود. سپاه و نیروی قدس آن دارای اولویتهایی در ورود به صحنه مبارزه با داعش است:

۱. مقابله نظامی، فکری و ایدئولوژیک و ممانعت از افزایش حوزه بازیگری تروریست ها؛

۲. دفاع از تمامیت ارضی عراق و سوریه و حفاظت از اماکن مقدسه شیعیان؛

۳. حمایت از همه جریان‌هایی که در عراق و سوریه علیه داعش

و سایر گروه‌های تروریستی اسلحه به دست گرفته‌اند. این حمایت‌ها از کردهای عراق و سوریه تا شیعیان عضو حشدالشعبی و عشایر سنی را شامل می‌شود؛ ۴. هماهنگی با سایر عوامل سپاه پاسداران و ارتش ایران برای جلوگیری از تسری درگیری عراق به خاک ایران با ایجاد یک خط مرزی یکصد کیلومتری ورود ممنوع؛ ۵. بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای به منظور مقابله با گسترش جریان‌های وهابی - تکفیری در منطقه؛ در این راستا سپاه پاسداران از ابتدای بحران‌های منطقه‌ای بعد از سال ۲۰۱۱ به ویژه در سوریه و بعد از آن در عراق، وظیفه خود را در مورد حفظ متحدین منطقه‌ای ایران انجام داده است. در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ در شهرهای حمص و حماه سوریه، آیت الله خامنه‌ای این اعتراضات را متفاوت از بهار عربی دانست و آن را اجنبش انحرافی نامید. در روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۲، سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده وقت سپاه پاسداران گفت: «ما به کمک اطلاعاتی و مستشاری به سوریه به عنوان محور مقاومت ادامه می‌دهیم. ایران به این حمایت افتخار می‌کند. بر این اساس، بسیاری از مقامات ایران بر لزوم ارائه حمایت نظامی و سیاسی به بشار اسد برای جلوگیری از پیش روی گروه‌هایی مانند داعش تاکید ورزیدند. در عین حال، حضور نظامی ایران در سوریه به منزله وجود واحدی کوچک، متوسط یا هنگ و تیپ نیست. نگاه به لیست کسانی که از سوی ایران در سوریه به شهادت رسیده‌اند، نشان می‌دهد که همگی آنها افراد رده بالای نظامی با اعضای نیروهای ویژه سپاه بوده‌اند. سردارانی همچون اسکندری، الله دادی، کجباف، حسونی زاده، همدانی، مختاریند و سمایی که علاوه بر ماموریت‌های مستشاری، وظیفه سازماندهی مقاومت مردمی علیه تروریسم را نیز بر عهده داشته‌اند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴). در عراق نیز حضور مستشاری ایران پر رنگ بوده است. عراق کشوری است که بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک به همراه پیوندهای فرهنگی دیرینه با ایران برخورد است. این کشور در پی جابجایی قدرت از حزب بعث به اکثریت شیعیان، به یکی از متحدین منطقه‌ای ایران در آمده است. ایران در راستای منافع امنیتی، اقدام به کمک‌های متعدد نظامی و امنیتی مستشاری در قبال دولت این کشور در پی بحران ۲۰۱۴ و هجوم داعش به مناطق شمال و شمال غربی کرد. بسیاری بر این نظرند که ارتش عراق به تنهایی گسیخته و ناتوان بود و بدون نیروهایی مانند حشدالشعبی و نقش ایران قادر به مقابله با داعش نبود. ایران نقش بارزی در شکل‌دهی به مقاومت‌های مردمی علیه داعش در قالب نیروی مردمی متشکل از گروه‌های قومی و مذهبی عراق داشت. عملیات‌های آزادسازی شهرهای مهمی همچون آمرلی، جرف الصخر، ادور، العلم، تکریت، بلد و ضلوعیه از عملکردهای مهم حشدالشعبی در مقابله با داعش بود.

ب. بازدارندگی

سیاست مبتنی بر بازدارندگی و راهبرد بازدارنده یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در مقابله با داعش است. بازدارندگی در واقع تحت تاثیر قرار دادن رفتار، با تهدید است. بازدارندگی، مستلزم تهدید به استفاده از زور و نیرو برای جلوگیری از استفاده از نیروی فهریه، توسط شخص دیگری است (ازغندی و روشندل، ۱۳۸۶). بازدارندگی در سیاست خارجی ایران در مقابله با داعش به دو طریق اصلی صورت گرفته است: - استفاده از توانمندی موشکی یکی از عرصه تبلور بازدارندگی در سیاست خارجی و دفاعی ایران، تمرکز بیش از همه بر توان و قدرت موشکی به ویژه در یک دهه گذشته است. قدرت موشکی ایران یکی از عرصه‌هایی است که به رغم فشارهای گسترده از سوی آمریکا و اروپا

طی چند دهه اخیر در صدد تقویت آن بوده است. (Eisenstadt, ۲۰۱۶: ۱۱-۲). بدین گونه دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی ایران جایگاه ویژه ای دارد. جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نقش بسیار بالایی موشک ها را در نبردهای آینده نشان دادند. شرایط منطقه ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی، اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی را در مقابل تهدیدات خارجی برای کشور گزینه اجتناب ناپذیر کرد. این امر با بومی سازی تکنولوژی موشکی تحقق یافت و با توجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرایند نوسازی صنایع نظامی، بر ارتقاء تکنولوژی موشکی بسیار تاکید شده است (امینیان و ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵: ۵۳). یکی از مهم ترین حملات موشکی سپاه پاسدان در راستای سیاستهای بازدارنده ایران، در ژوئن ۲۰۱۷ به مواضع داعش در دیرالزور در شرق سوریه انجام گرفت. در این حمله، موشک های میان برد زمین به زمین شهاب با برد ۸۰۰ کیلومتر در پایگاه های موشکی سپاه در کرمانشاه و کردستان به هدف شلیک شد که پس از عبور از خاک عراق، سوریه را هدف قرار دادند. این حمله که به گفته فرماندهی سپاه پاسداران در انتقام حملات تروریستی داعش در تهران در سال ۱۳۹۶ انجام شد، اولین حملات گزارش شده از خاک ایران به داعش در سوریه بود.

- حمایت از نقش حزب الله لبنان

دیگر راهبرد ایران در راستای سیاست بازدارنده در مبارزه با داعش، حمایت از نقش حزب الله لبنان و نیروهای مقاومت در سوریه و عراق است. حزب الله از اثرگذارترین گروه ها در مقابله با تروریسم در منطقه، به ویژه در سوریه شناخته می شود که فعالیت های آن تا حد زیادی شکست های سنگینی را به داعش تحمیل کرده است. از آنجا که بازدارندگی، حضور فعال ایران در دو حلقه امنیتی فوری و غیر فوری را ایجاب می کند، حزب الله لبنان مهم ترین بازیگر غیردولتی و مهم ترین خط اتصالی ایران از تهران تا دمشق در محیط امنیتی غیر فوری ایران است. در این محیط بازیگرانی دیگری نیز شامل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین نیز حضور فعال دارند. رویکرد ایران در قبال حزب الله در این محیط، رویکردی حمایتی در جهت موازنه سازی علیه اسرائیل و گروههای تکفیری است. طبق گزارش سال ۲۰۱۵ شورای روابط خارجی آمریکا، کمکهای ایران به حزب الله علاوه بر کمک های تسلیحاتی و لجستیکی، بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار شده است (روحی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۹۰)

حزب الله نقش بارزی در استمرار محور مقاومت دارد و اصولاً هدف نهایی فشارهای چندین سال گذشته از سوی کشورهای منطقه ای و آمریکا در راه اندازی بحران سوریه، تغییر رویکرد این کشور در حمایت از حزب الله است. حزب الله متحد راهبردی دولت سوریه است. سوریه و بشار اسد در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بین لبنان و رژیم صهیونیستی، نقش راهبردی در تامین تسلیحات حزب الله و نیز پذیرفتن آوارگان شیعی جنوب لبنان داشت. حزب الله در جریان نبردهای آزادسازی مناطقی از سوریه از دست داعش به ویژه شهر راهبردی القصیر در استان حمص در سال ۲۰۱۳، نبرد قلمون در مرز لبنان و نیز آزادسازی شهر سیده زینب در ریف دمشق نقش مهمی ایفا نمود. نقش این گروه در نبردهای قلمون، نبردهای ضدتروریستی در سوریه در واقع آزمونی بزرگ برای حزب الله برای اثبات خود به عنوان بازیگری تاثیر گذار در منطقه بود. به همین دلیل برخی تحلیلگران حزب الله را برنده اصلی جنگ سوریه می دانند و

معتقدند این جنگ توان عملیاتی حزب الله برای نبردهای آینده به ویژه در ارتباط با رژیم صهیونیستی را افزایش داده است (Philips, ۲۰۱۸).

ج- سیاست ائتلاف سازی با روسیه

سیاست خارجی ایران در مقابل داعش راهبرد ائتلاف سازی با روسیه را نیز در دستور کار قرار داده است. روسیه مهم ترین بازیگر بین المللی ضد تروریستی در خاورمیانه است. روسیه در بحران سوریه حمایت کامل خود را از دولت اسد به نمایش گذاشته است. این حمایت های روسیه هر چند بیشتر دلایل ژئوپلیتیکی دارد و در صدد حفظ سوریه در مدار مسکو می باشد، اما مبارزه با تروریسم نیز از مهم ترین اولویت های روسیه است. مسکو روسیه از چهار منطقه قفقاز شمالی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی و خاورمیانه در خطر هجوم حملات تروریستی از سوی تروریسم قرار دارد. چنانچه واقعیت های میدانی نشان می دهد، روسیه بعد از اتمام کار و برچیده شدن تروریست های معارض دولت سوریه به ویژه داعش، با معضل بزرگ بازگشت این افراد به موطن اصلی خود، یعنی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز مواجه خواهد بود، که جدی ترین تهدید امنیتی بعد از حضور ناتو در مرزهای این کشور به حساب می آید.

آمار ارائه شده نشان می دهد که تعداد زیادی از تروریستهای داعش تابعیت روسی دارند. بر طبق آمار گروه سوفان در آمریکا در اکتبر ۲۰۱۷، در بین پیکارجویان خارجی که در سوریه و عراق به ویژه در داعش مشغول به فعالیت بوده اند، بیش از ۳۰۰۰ تبعه روس وجود دارد که از این بین حدود ۴۰۰ تروریست تاکنون به روسیه بازگشته اند. در عین حال، بررسی تعداد این تروریستها به تفکیک مناطق موجود در جهان نیز نشان می دهد که بیش از ۸۰۰۰ نفر از آنها از جمهوری های استقلال یافته شوروی سابق و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از بالکان به سوریه و عراق هجوم آورده اند (۹-۱۴: Barrett, ۲۰۱۷).

بازگشت این افراد، علاوه بر اینکه معضل اصلی امنیتی روسیه در آینده خواهد بود، جایگاه قدرت بزرگ هنجارمند روسیه را در سطح بین الملل تحت تاثیر قرار می دهد. به همین دلیل به نظر می رسد که روسیه همانند ایران در صدد امحاء این تهدید از مبدا است. بنابر این نوعی هدف مشترک علیه تروریسم میان ایران و روسیه شکل گرفته است. در راستای تحقق این هدف بسیاری در روسیه معتقدند که روسیه ناگزیر از همکاری با ایران در این موضوع است، اما نمی توان این موضوع را اتحاد راهبردی ایران و روسیه دانست. بلکه نوعی سیاست ائتلاف برای مقابله با تهدید مشترک است. نظر می رسد که شاهد نوعی از تقسیم کار مشترک بین دو کشور در جنگ علیه تروریسم هستیم. (۲-۵: ۲۰۱۶: Trenin). ورود عملیاتی و میدانی روسیه به جنگ سوریه در واقع پس از اظهارات ولادیمیر پوتین در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل رقم خورد. پوتین در این سخنرانی که به صورت رسمی ورود روسیه به جنگ را به صورت کاملاً قانونی و مطابق با موازین بین المللی و بنا به درخواست دولت سوریه و در چارچوب مبارزه با تروریسم اعلام کرد، با انتقاد از سیاست های آمریکا در خاورمیانه، آنها را غلط و موجب شکست بزرگ خواند و پرسید آیا به آنچه انجام داده اید، اکنون پی برده اید؟

اقدامات روسیه در مبارزه با داعش و سایر گروههای تروریستی بیشتر در قالب انجام عملیات های بمباران هوایی مواضع داعش در شهرهای دیرالزور و رقه سوریه انجام شد. در عین حال، ایران و روسیه همکاری ها را در زمینه مبارزه با داعش گسترش داده و حتی در یک برهه روسیه از پایگاه های هوایی ایران جهت حمله در عمق خاک سوریه استفاده

کرد. وب سایت بیزینس اینسایدر در سال ۲۰۱۸ به نقل از ویکتور بوندارف رئیس کمیته دفاعی و امنیتی پارلمان روسیه اعلام کرد که در حملات هوایی این کشور به سوریه تا اکتبر ۲۰۱۸ حدود ۸۵ هزار تروریست کشته شده اند (۲۰۱۸ Business Insider).

د- دیپلماسی پویا

۲۹۴

مبانی قضی حقوق اسلامی

اقدامات دیپلماتیک تهران در قبال داعش را باید در کلیت بحران های منطقه ای به ویژه بحران سوریه مورد بررسی قرار داد. تهران و دمشق مناسبات تاریخی و پیچیده ای دارند که ریشه های آن در اعماق تاریخ ریشه دارند. تحولات سالهای اخیر سوریه و قدرت گیری گروههای تروریستی نظیر داعش، نه تنها به سطح مناسبات میان طرفین آسیب نرساند بلکه انگیزه های جدیدی برای تحکیم بنیه روابط فیما بین دو کشور آفرید (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳). در این راستا، ایران همانند عربستان سعودی، ترکیه و سایر حامیان معارضان سوری، سیاست های ائتلافی خود با روسیه را علاوه بر عرصه های میدانی، به عرصه های دیپلماتیک نیز تسری داد. در این رابطه به گفته محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه انعقاد برجام بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵، بسیاری از ظرفیت های سیاست خارجی ایران را آزاد نمود و موجب شد که دستگاه دیپلماتیک ایران با فراغ بیشتری به موضوعات منطقه ای بپردازد. نمونه مطلوب به کار گیری دیپلماسی در سیاست خارجی ایران علیه داعش در بحران سوریه، سلسله نشست های آستانه قزاقستان است که ابتکار مذاکرات سوری - سوری را با شرکت ایران، روسیه و ترکیه مطرح نمود. وزیر امور خارجه ایران دیپلماسی و مذاکرات ایران در بحران سوریه برای نبرد علیه تروریسم داعش را مبتنی بر قدرت ایران دانسته و می گوید: «امروز شرایط در سوریه این گونه است که وزرای خارجه روسیه و آمریکا در پاییز ۱۳۹۵ تصمیم گرفتند در سوریه آتش بس اعلام کنند، ولی نتوانستند و آتش بس آنها دوام نیاورد. سه ماه بعد، ما، روسیه و ترکیه با استفاده از قدرت میدانی ما و روسیه و با افزودن ظرفیت مذاکره و بهره گیری از قدرت میدانی در دیپلماسی توانستیم روند آستانه را شروع کنیم که توانسته خونریزی را تا حد زیادی کاهش داده و حتی متوقف کند و روند سیاسی را شروع کند. برای رسیدن به این وضعیت، شرایط میدانی حتما مهم و محوری بوده است ولی بدون دیپلماسی و مذاکره نمی توانستیم به این نتایج برسیم. هر زمان هم که دیپلماسی و مذاکره را کنار بگذاریم احتمال تجدید خاطره تلخ بوسنی وجود دارد. برای این که این واقعیت را درک کنیم لازم است ... با تغییر شرایط بین المللی ایران، وضعیت ما در مذاکرات سوریه هم تغییر پیدا کرد. این وضعیت کاملا وابسته به شرایط میدانی هم نبود. اتفاقا در اوج ضعف دولت سوریه و شرایط نابسامان میدانی که حتی دمشق در خطر بود، نه تنها ما را برای مذاکرات دعوت کردند، بلکه در اجلاس لوزان ما تعیین کردیم چه کسانی بیایند. یعنی ایران از کشوری که به مذاکرات دعوت نمی شد، تبدیل شد به کشوری که تعیین می کند چه کسانی در مذاکرات شرکت کنند. علت آن تغییر وجهه بین المللی جمهوری اسلامی ایران بود. باید مراقب باشیم که وضعیت دوباره به شرایط قبلی برنگردد، حضور در صحنه مذاکره، حیاتی است و می تواند شرایط خوب میدانی را نهادینه کند. بدون حضور در صحنه مذاکره، دستاوردهای میدانی که با رشادت مدافعان حرم و سردارانی همچون سرلشگر سلیمانی بدست آمده توسط دیگران هزینه می شود و ما در حاشیه قرار می گیریم. (ظریف، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۴).

مقابله با تروریسم و راهبردهای آن در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به ابعاد حقوقی آن

ه. نابودی حاکمیت داعش و راهبردهای بعد از آن در اواخر سال ۲۰۱۷ و بعد از پیروزی های نیروهای ارتش سوریه و مستشاران نظامی ایران در شهر بوکمال که از آن به عنوان آخرین دژ داعش در سوریه یاد می شد، در واقع حاکمیت این گروه تروریستی نابود شده است. البته نابودی حاکمیت و خلافت خودخوانده این گروه پیش از این در عراق نیز با

آزادی شهر مرزی قائم که در نقطه مرزی این کشور با سوریه وجود داشت، رقم خورده بود. داعش با شکست در خاورمیانه، حضور فعال در سایر مناطق همچون لیبی، افغانستان و آسیای مرکزی را دنبال خواهد کرد. گفته های رهبران این گروه نیز موید این موضوع است که مناطقی مانند لیبی، آسیای مرکزی و افغانستان مقصد بعدی داعش پس از عراق و سوریه است. در عین حال علاوه بر پیروزی های نظامی که علیه داعش در عراق و سوریه حاصل شده است، آنچه دارای اهمیت است نابودی تفکر داعش در منطقه است. تفکر داعش که در واقع همان تفکر تکفیری است، امروزه بیش از پیش پدیده ای رو به فزونی است که در صورت عدم کنترل و مهار، امکان رشد می یابد. تکفیر پدیده ای نوظهور در تاریخ اسلام نیست. ماهیت تکفیر همانی است که در گذشته بوده است؛ اما آنچه تکفیر عصر حاضر را از گذشته متمایز می کند، چهار خصوصیت است که عبارتند از: ابعاد جهانی آن، شبکه ای شدن تکفیری ها، اقدام به کشتارهای نامتعارف و وحشیانه و همچنین مشوه نمودن چهره اسلام رحمانی در اذهان مردم دنیا (نجات، ۱۳۹۴: ۲۱۸-۲۱۵)

در شرایط کنونی با به ثمر نشستن راهکارهای نظامی و عملیاتی در نابودی حاکمیت داعش، نوبت به راهبردهای فرهنگی برای نابودی تفکر داعش رسیده است. در واقع اقدامات نظامی متضاد و اقدام نظامی هماهنگی بین کشورهای منطقه، فقط بخشی از راه حل مقابله با گروههای تروریستی - تکفیری از جمله داعش است. رفع این مشکل، نیازمند اقدامی فرهنگی از سوی مسلمانان و به ویژه اهل سنت و علمای آنان است. در واقع باید گفت که واگذاری نقش به مسلمانان اهل سنت به ویژه علمای آن در مبارزه با داعش، از مهم ترین روش های مقابله با آنان است. به علاوه این موضوع که تعداد اعضای داعش، به صورت قارچ گونه از کشورهای مختلف رشد می کنند و با وجود شکست های پی در پی در سوریه و عراق و تلفات سنگین باز هم می توانند از کشورهای مختلف آسیایی، آفریقایی و حتی اروپایی جذب نیرو کنند، موضوعی غیرقابل اغماض به نظر می رسد، اعتقادات گروه هایی مانند داعش، نه تنها با اعتقادات شیعه در تعارض است، بلکه به طور قابل توجه با اعتقادات اهل تسنن نیز تناقض دارد و هم بزرگان اهل تسنن و همسران داعش، در مقابل یکدیگر اعلام موضع و حتی برائت و جهاد کرده اند.

در طرف دیگر کشورهای منطقه نیز باید به این باور برسند که فقط با یک گروه تروریستی مبارزه نمی کنند، بلکه با ایدئولوژی مخربی روبرو هستند که باید جدا از عرصه نظامی، آن را در عرصه اندیشه و فکر نیز شکست داد. در حقیقت، «ایدئولوژی، بزرگ ترین خطری است که جهان در دهه آینده با آن روبروست. داعش با استفاده از مذهب وارونه ای که ارائه می دهد و نیز افزایش نفرت، توانایی جذب گروههای تروریستی و عناصر افراط گرا را از سراسر جهان دارد. به همین دلیل، نابودی آن برای پایان دادن به این خطر کافی نیست، بلکه باید با ریشه های این ایدئولوژی خطرناک مقابله کرد تا نتواند بار دیگر در منطقه رشد کند. ایجاد آگاهی و بیداری میان مردم در قبال داعش و افشای اهداف واقعی این گروه تروریستی و حامیان آن، از مهم ترین راهکارهای مقابله با داعش است؛ اقدامی که مراجع عالی دینی عراق، از جمله آیت الله سیستانی به آن پی بردند و از همه مردم، چه شیعه و چه سنی خواستند برای مقابله با این دشمن پسیج شوند (نجات، ۱۳۹۴: ۲۲۰)

در عین حال نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، اقدامات سیاست خارجی ایران در این زمینه است که در شرایط پساداعش در کشورهای عراق و سوریه دارای اهمیت وافر می باشد. از مهم ترین اقدامات ایران در این کشورها می توان به تلاش برای مذاکره با کشورهای جنگ زده برای حضور فعال در بازسازی آنها اشاره نمود. در ابعاد سیاسی به نظر می

رسد که ایجاد روابط پایدار با تمامی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی موجود در این کشورها می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. این مساله در شرایطی است که دموکراسی تحمیلی در کشورهایی مانند عراق به واقع پروژه ای شکست خورده است و مشاهده می‌شود که با وجود دارا بودن این کشور از یک اکثریت شیعی، دولتی ائتلافی در این کشور شکل می‌گیرد که لزوم توجه ایران به تمامی گروه‌ها در صحنه سیاسی عراق را یاد آور می‌شود (نجات، ۱۳۹۴: ۲۲۰)

به علاوه در سوریه نیز شاهد اکثریتی بیش از ۶۰ درصدی از اهل سنت هستیم که لزوماً بایستی جایگاه مناسبی در آینده سیاسی داشته باشد. در این چارچوب، با وجود اتحاد راهبردی ایران با این کشور، سیاست خارجی ایران به ویژه از اواسط بحران سوریه به گونه‌ای در جریان است که شاهد رویکرد تهران به گذار به دموکراسی در سوریه هستیم؛ روندی که ضمن حفظ شراکت راهبردی در کشور، می‌تواند زمینه‌های دیپلماتیک و حضور فعال ایران در میان گروه‌های سوری را فراهم نماید. در سطوح منطقه‌ای نیز به نظر می‌رسد که مهم‌ترین رویکرد سیاست خارجی ایران بایستی بر نابودی کامل تروریسم متمرکز باشد. به علاوه در سطوح فرهنگی نیز تعامل بیشتر با سنی‌های حنفی و شافعی و سرمایه‌گذاری روی این جریان‌ها که از خشونت کمتری در قیاس با حنبلی‌ها دارند می‌تواند زمینه‌های ثبات در منطقه را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

مقابله با تروریسم یکی از مهمترین تهدیدهای فراروی صلح جهانی در حال حاضر است. تروریسم به خودی خود تعیین‌کننده نظام کنش و واکنش نیست. مقابله با تروریسم باید از نظمی منطقی تبعیت کند؛ نظمی که در مقابل همه پدیدارهای ضد صلح تعریف شده و در ارزشهای فطری، الهی و انسانی نهفته است. در اینجا که کاستی‌های نظام بین‌المللی آشکار میشود. نظام بین‌المللی فاقد یک استراتژی روشن و جامع در مقابل تهدید و نقض صلح است؛ از این رو، سازوکارها و تدابیر ضد تروریستی مقرر در اسناد بین‌المللی موجود،^{۱۱} با تدابیر دیگری که در خصوص گاه‌جبهه و مجرای رادر پیش گرفته‌اند که الزاماً سایر مقوله‌های صلح جهانی ایجاد شده‌اند، سازگاری ندارند؛ بلکه تناقض و ناسازگاری‌های آنها در عمل به وضوح نمایان میشود. نمونه آن، نقش تروریسم و ضد تروریسم در نقض حقوق بشر و حقوق اساسی ملت‌ها است. دنیا با ابتکار غرب از زمان تأسیس ملل متحد در سال ۱۹۵۴، مقوله حمایت از حقوق بشر را پیاده‌سازی نمود و رفته رفته بر شدت حمایت‌های مورد نظر افزود تا جایی که ملت‌های شرقی این افراط غرب را مورد انتقاد قرار دادند. اما از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد، تدابیری در دستور کار مقابله با تروریسم قرار گرفت که در درجه اول، این نهادها و اصول حمایت از حقوق بشر را مورد نقض جدی قرار داد. شکنجه و تجاوز که پیش از آن به عنوان فجیع‌ترین اعمال ضد بشری شناخته می‌شد، یکبار به عنوان شیوه‌های مقابله با تروریسم در دستور کار غرب قرار گرفت. آنها این جنایات را در لوای مقابله با تروریسم و تأمین امنیت ملی توجیه کردند و حتی این جنایات را علیه شهروندان خودشان نیز اعمال کردند. فراتر از آن، به سرزمین‌های دیگر تجاوز مسلحانه نمودند تا امنیت کشورشان را تأمین کنند. تجربه یک دهه بعد از این تدابیر ضد تروریستی - که به عکس، اقداماتی تروریستی به معنای واقعی آن بوده‌اند - نشان می‌دهد جهان باید رهیافت و طرز تفکر خود را که مبتنی بر تحمیل و هژمونی بوده است را کنار بگذارد و رهیافتی عادلانه در پیش گیرد. این همان رهیافتی است که از آن به عنوان «ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه»

یاد میشود و به نظر میرسد، یکی از علل اصلی کاستی و عدم توفیق تالش‌های گذشته و حاصل نشدن صلحی ماندگار و فراگیر در دوران معاصر، تکیه نظریه‌ها و گفتمان‌های صلح بر محورهایی گذار و فرعی بوده است و جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ظرفیت‌های جهانی و ملی و همکاری‌های بین‌المللی، سعی در گسترش و ارائه راهبرد صلح عادلانه جهانی را به گستره تمام جهان دارد. جمهوری اسلامی ایران با اقدامی ابتکاری، مخصوصاً اخیر، راهبردی را برای مقابله با تروریسم در پیش گرفته است که در ضمن مقابله با ریشه‌ها و مبادی فکری و اعتقادی تروریسم و تالش برای خشکاندن ریشه‌ها و علل تروریسم، به طور همزمان به صورت تاکتیکی و عملیاتی با مظاهر تروریسم هم مقابله نموده است و از گسترش و بسط اقدامات تروریستی جلوگیری نموده است و در این زمینه با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مبادی اجرایی آنها همچون اینترپل و پلیس بین‌الملل هم همکاری‌های گسترده‌ای داشته است. بنابراین، مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران، تحت لوای راهبردهای مذهب شیعه، مورد بررسی مقابله با آن و با توجه به دین مبین اسلام مخصوصاً و تحلیل قرار گرفت و میتوان نتیجه گرفت که تروریسم و اقدامات تروریستی هرچه هست، معلول است و نه علت؛ لذا مقابله با تروریسم نیز باید معطوف به از خود تروریسم؛ خشکاندن بین بردن علتها و ریشه‌های تروریسم باشد نه صرفاً ریشه‌های تروریسم هم مستلزم بازنگری در شیوه‌های مبارزه و توجه به حقوق اساسی بشر در عین عدالت و برابری همه کشورها، به ویژه شناسایی ریشه‌ها و عوامل موجد تروریسم است. همچنین، در جمهوری اسلامی ایران و از نظر رهبران آن، تروریسم به دلیل اینکه یکی از جدیترین و بلکه خطرناکترین مظاهر تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی میشود؛ در همه اشکال و مظاهر آن، از سوی هر کسی، هر کجا و برای هر هدف و مقصودی که باشد، مطرود و محکوم است. از این روست که تفکیک تروریسم به تروریسم خوب و تروریسم بد بزرگترین نقطه ضعف و پاشنه آشیل هر گونه راهبردی در مسیر مبارزه و مقابله با این پدیده شوم و نفرت‌انگیز است؛ اما نباید فراموش کنیم که بحث تروریسم، تا وقتی که یک تعریف و مفهوم مشخص و جامع نداشته باشد و ابعاد آن به درستی روشن نشده باشد، همچنان به طور گسترده ادامه داشته و شاید هر روز قربانیان بیشتری را فدای منافع و مصالح ویژه برخی کشورهای منفعت‌طلب نماید. البته الزم است تأکید شود که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، مانند برخی کشورهای قدرت‌طلب و استعمارگر که به بهانه مبارزه با تروریسم خود عامل و مبنای اقدامات تروریستی شده‌اند و به تروریسم دامن می‌زنند، نبوده و ایران اسلامی به دنبال این است با محوریت دین مبین اسلام که آزادگی و کرامت انسانی را مینا قرار داده و همه انسانها را به این ارزش‌ها دعوت نموده است، به جامعه‌ای پر از صلح، دوستی، برابری، عدالت، آزادگی، امنیت و پای‌بند به ارزش‌های اسلامی و انسانی نائل شود و بشریت را از این وضعیت نابسامان که خون انسان‌های بی‌گناه و مدافع حقوق اساسی خود، به ناحق بر زمین ریخته و هیچکس هم اجازه خون‌خواهی و اعتراض به اقدامات آنان را ندارد، نجات دهد. در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و اندیشه و ایدئولوژی خاص ضد استکباری خود از تهدیدات تروریستی در امان نبوده است. مرزها حضور اقدام متعدد، گرایش فکری و مذهبی گوناگون، سبب گشته تا امنیت ملی ایران در برخی اوقات با بحرانهایی تنش‌هایی درگیر باشد. و با ظهور عصر جدیدی از تروریسم و پیوند آن با تکنولوژی و ابزار نوین و همچنین تقویت از سوی قدرت‌ها بزرگ و اشغالگر، می‌توان اذعان داشت که امنیت ملی ایران به جد با تروریسم پیوند محکمی خورده است. در این پژوهش همان‌طور که مشاهده شد، ضمن تعاریف گوناگونی از پدیده تروریسم ارائه شده است به اقدامات تروریستی که گروه‌های معاند سیاسی و شبه‌نظامی در اطراف مرزهای شمال غرب و جنوب شرق، ضد امنیت ملی ایران انجام می‌دهند، اشاره گشت. در طی سال‌های گذشته ملت ایران به دفعات گوناگون شاهد جنایات و اقدامات

تروریستی از سوی گروهک های تروریستی مختلفی بوده که با حمایت آمریکا و غرب به مقابله با ایران پرداخته اند. گروهک پژاک در مرزهای شمال غرب و گروهک جند الله (جند الشیطان) در مرزهای جنوب شرق نمونه هایی از این گروهک های تروریستی هستند که از طریق هدایت از سوی رهبران بلا منازع خود در گروه های پ ک ک و القاعده از تضادهای، قومی فرقه ای و مذهبی در مناطق مرزی استفاده می کنند و با خشونت و ترور به دفعات محل امنیت مردم مسلمان کرد و بلوچ در آن مناطق می شوند. و با اقدامات تروریستی همچون بمب گذاری گروگان گیری تجاوز به نوامیس، ترور مردم عادی و مسئولین منطقه و عملیاتهای انتحاری، سعی در ایجاد ناامنی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران می نمایند.

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) احمدوند علی محمد ، ۱۳۸۶، درباره راهبرد دوماهنامه توسعه انسانی پلیس ، شماره ۱۰
- (۳) اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۹، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان،
- (۴) اردبیلی، محمدعلی ۱۳۸۱، مفهوم تروریسم مندرج در: تروریسم و دفاع مشروع از نظر اسلام و حقوق بین الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی های ارائه شده در همایش ، تهران ، مرکز مطالعات توسعه قضایی ، دانشکده علوم قضایی و خدمات دارای
- (۵) ازغندی، علیرضا و جلیل روشن دل ۱۳۸۶، مسائل نظامی و استراتژی معاصر، تهران: نتر سمت
- (۶) اسدی بیژن. ۱۳۹۰. سیاست خارجی دولت اصلاحات؛ موفقیتها و شکستها. باز
- (۷) افتخاری اصغر ، شبستانی علی. ۱۳۹۰. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم. آفاق امنیت ش ۱۲. عبداللهی، محسن ۱۳۸۸. تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- (۸) افتخاری، اصغر ۱۳۹۵. «مدارات تروریسم: چهره دوگانه تروریسم در عراق»، در: جمعی از نویسندگان، عراق پس از سقوط صدام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

- (۹) افشار نیا، جعفر. ۱۳۹۸ «امکان توسل به دفاع مشروع در مبارزه با تروریسم بامطالعه ی موردی مبارزه ی ترکیه با گروه تروریستی پ.ک.ک.» مجموعه مقالات اولین کنگره ی ملی ۷۱ هزار شهید ترور. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، دور
- (۱۰) اکبرزاده فریدون، رحیمی محمد. ۱۳۹۶. بحران هسته ای و تاثیر آن بر سیاست های خارجی دولت نهم و دهم. اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی
- (۱۱) امینی حسن. ۱۳۸۳. تاثیر حوادث یازده سپتامبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. اعتدال
- (۱۲) امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵، تاثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و دوم.
- (۱۳) ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه مدیریت و پژوهشهای دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال پانزدهم، ش ۸۱
- (۱۴) آشنا، حسام الدین و اسمعیلی، محمدصادق، ۱۳۸۸ امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۵،
- (۱۵) آمی علی، کشاورز مقدم الهام. ۱۳۹۴. جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی جهان اسلام
- (۱۶) بازرگان ابوالفضل، حسین پوراحمدی میدی. ۱۳۹۷. ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا. ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱) رهیافت های سیاسی و بین المللی رهیافت های سیاسی و بین المللی شماره ۳
- (۱۷) برزگر کیهان. ۱۳۸۸. سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. روابط خارجی
- (۱۸) بزرگمهری، مجید ۱۳۸۵ «موضع گیری سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بینالمللی»، (ترجمه)، ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۵۱
- (۱۹) بزرگمهری، مجید، ۱۳۹۴، نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم، تهران، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی
- (۲۰) بوزان، باری، ۱۳۹۶، مردم دولت‌ها و هراس، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- (۲۱) بهمنی جواد. ۱۳۹۵. جامعه مدنی در دوران احمدی نژاد و خاتمی. کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی
- (۲۲) پورسعید، فرزاد(۱۳۸۸)، تحول تروریسم در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، زمستان.
- (۲۳) تهامی، سید مجتبی، امنیت ملی، ۱۳۹۰، دکترین، سیاست های دفاعی و امنیتی، کانون پژوهش های دریای پارس،
- (۲۴) جزایری سید عباس، قائدی امیر. ۱۳۹۹. ابعاد مسئولیت های حقوقی مربوط به سقوط هواپیمای اوکراینی. نشریه فقه و حقوق نوین ش ۴

۲۵) جعفری انوش، سحری در گاهی نرگس. ۱۳۹۴. اثر سیاست خارجی عصر محمود احمدی نژاد بر منافع ملی. کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی

۲۶) جمراسی فراهانی، علی اصغر، ۱۳۸۵، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، چاپ ۴، تهران مرکز آموزش مدیریت دولتی

۳۰۰) جهان بزرگی، احمد، ۱۳۸۸، امنیت در نظام سیاسی اسلامی، چاپ ۱، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲۸) حاتمی محمدرضا. ۱۳۹۴. شکل گیری داعش در کانون پوشش جهانی شدن. پژوهشنامه روابط بین الملل.

مبانی فقهی حقوق اسلامی